

امنیت فرهنگی از منظر آیت ... خامنه ای

* رضا سیمبر / دانیال رضاپور**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۰۱۱

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۱/۱۰

چکیده

امنیت فرهنگی با توجه به رکن امنیت که همان هویت است، می‌تواند الگویی کارآمد جهت سوگیری سیاست‌ها و استراتژی‌ها را عرضه کند. مقاله حاضر با تمسک به خصائص و ظرفیت بیانات آیت ... خامنه ای، سعی کرده احکام و اندیشه‌های ایشان را تجمیع و اصول ضوابط اسلامی امنیت را استنتاج و زمینه تکوین امنیت فرهنگی در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ایران را فراهم آورد. این پژوهش با روش تبیینی و توصیفی و با ابزار گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای سوال خود را این گونه مطرح می‌کند که مهم‌ترین مولفه‌های امنیت فرهنگی از منظر آیت ... خامنه - ای چیست؟ مهمترین یافته‌های پژوهش حاکی از این است که با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی که دارای ظرفیت بالقوه‌ای از قدرت نرم می‌باشد؛ عوامل تقویت کننده امنیت فرهنگی از منظر ایشان را می‌توان: تعلیم تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی و عوامل تهدید کننده: وابستگی فرهنگی، خود باختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی بیان کرد. در سازماندهی پژوهش بعد از تعاریف مختصر از مفاهیم پایه‌ای تحقیق و ادبیات نظری، امنیت فرهنگی از منظر بیانات و رهنمودهای ایشان به عنوان موضوع اصلی پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژگان: آیت ... خامنه ای، امنیت، امنیت فرهنگی، انقلاب اسلامی ایران، قدرت نرم

* استاد روابط بین الملل دانشگاه گیلان، rezasimbar@hotmail.com

**دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، danyalrezapoor@gmail.com

مقدمه:

زندگی جمعی انسان از نیاز به امنیت سرچشمه می‌گیرد. امنیت از مفاهیم با اهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با رهایی از تهدید مرتبط است. بنابراین هر آنچه یک تهدید را تشکیل می‌دهد، در حقیقت موضوع امنیت است و دارای دو جنبه است: ذهنی که مبتنی بر درک ارجاعی اهداف است و نسبی، زیرا هیچ فردی یا سیستمی در امنیت کامل به سر نمی‌برد (اونیل، ۲۰۰۶: ۳۲۲)^۱ از این رو به نظر نگارنده تاثیرگذارترین ایده از گسترش مفهومی مطالعات امنیتی در دهه ۹۰ که از سوی مکتب کپنهاگ ظهور کرد، مفهوم امنیت فرهنگی بود. این مفهوم، به وجود و یا عدم وجود تهدید و یا احساس تهدید در فضای میان دولت، قدرت یا هیئت حاکمه که همان ساختار سیاسی است از یک سو و ملت، شهروندان و مخاطبان آنان در حوزه عمومی از سوی دیگر، بر می‌گردد؛ در اینجا امنیت فرهنگی - اجتماعی برمدار عناصر هویت معنا و مفهوم می‌یابد. شایان توجه است، پیش از آن که نظریه‌های امنیت در سیر تکاملی خود به بارزتر شدن متغیرهای هویتی برسند، اهمیت متغیرهای هویتی در مدیریت حکیمانه و ژرف اندیش جامعه در قرآن کریم مورد التفات نظریه پردازان دینی چون فارابی و سایر اندیشمندان هم بوده است.

در سال ۱۳۵۷ متفاوت ترین انقلاب از سلسله انقلاب‌ها، در اوج اقتدار نظامی و اقتصادی خاندان پهلوی اتفاق افتاد؛ شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم آنچه انقلاب ایران



را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است بعد فرهنگی و جنبه‌های نرم‌افزارگرایانه آن می‌باشد (رضاپور، ۱۳۹۴). بنابراین فرهنگ به واسطه‌ی نقش و اهمیتی که در جامعه دارد همواره مورد توجه انقلاب و رهبران انقلاب اسلامی ایران بوده است و آیت‌... خامنه‌- ای با وقوف کامل به این نقش، توانست انقلاب اسلامی - که یک انقلاب فرهنگی است - را بعد از امام خمینی (ره) معماری، هدایت و به کمال برساند. از این‌رو، فرهنگی که چنین نقشی را در جامعه ایفا می‌کند، می‌تواند از جهات مختلف، مورد تهدید قرار گیرد که امنیت این فرهنگ، موضوعیت می‌یابد و فهم و درک نظر آیت‌... خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب ضروری به نظر می‌رسد (علیزاده، ۱۳۹۳).

در بیانات آیت‌... خامنه‌ای نیز فرهنگ یکی از پایه‌های اساسی قدرت و اقتدار ملی است. از نظر ایشان قدرت یک ملت بر سه عنصر اقتصاد، فرهنگ و علم و دانش استوار است و البته فرهنگ از اقتصاد مهم‌تر است چرا که در دیدگاه ایشان فرهنگ به مثابه هوایی است که یک ملت در آن تنفس می‌کنند و الهام بخش مردم در کنش‌ها و اعمال آن‌هاست (میرمحمدی، ۱۳۹۴).

« شما هر جا هستید، بحمدالله همه‌تان جایگاهی برای گفتن و تأثیرگذاری دارید و منبرهایی در اختیار شما هست؛ از اینها استفاده کنید برای اینکه در جامعه و در چشم نخبگان کشور مسئله‌ی فرهنگ را در جایگاه واقعی و شایسته‌ی خود بنشانید؛ این خیلی مهم است. فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند؛ به این باید توجه کرد» (حدیث ولایت، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

به عبارت دیگر، می‌توان گفت از نظر آیت‌... خامنه‌ای فرهنگ زمینه و بافتاری

است که تمامی کنش‌های معنادار یک ملت در درون آن و تحت تأثیر آن شکل می‌گیرد. ۱۳۳

فرهنگ به مثابه بنیان امنیت بار دیگر پس از برجام در کنش‌های گفتاری رهبری پررنگ



شده و ایشان با کلید واژه نفوذ به مثابه زمینه ساز تغییر آرمان‌ها و ارزش‌ها به آن اشاره کرده و با تاکید بر ماهیت نرم تهدید نفوذ. ضمن بازشناسی انواع نفوذ، نفوذ فرهنگی و سیاسی را خطرناک تر از نفوذ اقتصادی و حتی امنیتی می‌دانند (میر محمدی، ۱۳۹۴: ص ۳). در ادبیات پژوهش افتخاری (۱۳۹۱)، آشنا (۱۳۸۸) و صالحی امیری (۱۳۸۶) تلاش کرده اند تا حوزه مفهومی، مولفه‌های اصلی و سطوح عملکرد امنیت فرهنگی را مورد بررسی قرار دهند و انگیزه‌های حکومت‌ها برای پرداختن به مسائل امنیتی مخصوصا امنیت فرهنگی در سطح ملی را مورد تامل قرار دهند. لک زایی و نباتیان (۱۳۹۲) از منظر فقه شیعه و ترابی (۱۳۹۲) از منظر امنیت اخلاقی سعی کرده اند علاوه بر تعاریف جدید از مفاهیم امنیت در هزاره سوم، ابعاد فرهنگی، هنجاری، ارزش‌ها، اخلاق، کرامت و شرافت انسانی که ارتباط نزدیکی با مفاهیم فرهنگی قرآن و همچنین راهنمای شیوه رهبری آیت ا... خامنه‌ای است را تشریح کنند. حبیبیان و صبوری (۱۳۹۱) و گلشن پژوه (۱۳۸۷) معتقدند که: از مولفه‌های تاثیر گذار در امنیت ملی کشور، امنیت فرهنگی است که دشمنان این مرز و بوم در تلاش هستند به شیوه نرم در صدد براندازی این نظام نوپا عمل کنند از این رو نویسندگان سعی کردند اثرات جنگ نرم دشمن را بر امنیت فرهنگی کشور بیان کنند. با توجه به پیشینه پژوهش و نواقض مطرح شده در جامعه علمی سوال اصلی این پژوهش این گونه مطرح می‌شود که مهم ترین مولفه‌های امنیت فرهنگی از منظر آیت ا... خامنه‌ای چیست؟ فرضیه موقت ما با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی که دارای ظرفیت بالقوه‌ای از قدرت نرم می‌باشد، می‌کوشد عوامل تقویت کننده امنیت فرهنگی از منظر ایشان را: تعلیم تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی و عوامل تهدید کننده را وابستگی فرهنگی: خود باختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی بیان کند. در سازماندهی پژوهش بعد از تعاریف مختصر از مفاهیم پایه‌ای تحقیق و ادبیات نظری، امنیت فرهنگی از منظر بیانات و رهنمودهای ایشان به عنوان موضوع اصلی پژوهش مورد



بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. امنیت:

مفهوم امنیت در دل خود نوعی پیچیدگی دارد و در پیشینه تاریخی خود با نوعی تحول معنایی جدال‌انگیز روبه‌رو بوده است. تغییر مفهوم سنتی امنیت به برداشت‌های جدید و همچنین تأکید بر ابعاد داخلی و نگرش غیرنظامی به امنیت و تغییر رویکرد در مبنای قدرت ملی از نگاه‌های سخت‌افزاری به نگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از جمله دلایل تحول معنایی است. در تعاریف معاصر، امنیت به مقوله‌ای چندوجهی تبدیل شده است و عرصه‌های مختلف حیات بشری را در برمی‌گیرد. عرصه‌هایی مانند آزادی، مشارکت سیاسی (از حوزه امنیت سیاسی)، تأمین اشتغال، مسکن، رفع فقر، رفاه و حفظ حقوق افراد در محاکمه قضایی، امنیت سرمایه‌گذاری و... (از حوزه امنیت اقتصادی و حقوقی)، بهره‌گیری از اوقات فراغت (از حوزه امنیت اجتماعی)، حفظ حریم خصوصی و فردی، آرا و اندیشه‌های شخصی و... (از حوزه امنیت فردی)، آرامش خاطر، رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌های روحی و روانی و... (از حوزه امنیت روانی). بوزان برای امنیت دو وجه عینی و ذهنی بیان کرده است. «امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مذکور مورد حمله قرار گیرد». برخی امنیت را نه تعریف کردنی بلکه ادراکی و احساسی می‌دانند (فاتحی، ۱۳۹۱: ص ۲-۳).

۱-۲. فرهنگ:

اگرچه بعضی از صاحب‌نظران بر تعریفی که تایلر از فرهنگ به دست داده انتقاداتی وارد ساخته‌اند، اما گفته می‌شود که کامل‌ترین تعریفی که از فرهنگ تاکنون مطرح شده از او است. به نظر او فرهنگ مجموعه آمیخته و پیچیده و نظام یافته‌ای است از دانستنی‌ها و



شناسائی‌ها، هنرها و باورها و آئین‌ها، حقوق و آداب و رسوم، منشاء خوبی‌ها و بسیاری چیزها که انسان از جامعه خویش کسب کرده است. اما در در کلام آیت الله خامنه‌ای مطالب متعدد و متنوعی در حوزه تعاریف، عناصر و شاخص‌ها و همچنین ویژگی‌های فرهنگی بیان شده است. ایشان درباره تعاریف کامل و بومی از فرهنگ، مواردی به شرح زیر ارائه فرموده‌اند: فرهنگ اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک فرهنگ مانند روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری وادار می‌کند. بنابراین نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع - کالبد بزرگ انسانی - است (حدیث ولایت، ۱۳۸۰/۰۴/۶۰).

۱-۳. امنیت فرهنگی:

امنیت فرهنگی به معنی قابلیت و توانایی حکومت‌ها در حفظ و دفاع از ارزش‌ها، ایده‌ها، هویت و به طور کلی فرهنگ خاص جامعه است، به نحوی که این شاکله، تشکیل دهنده ساختار فرهنگی ملی یک کشور در داخل سیستم دولت-ملت و متمایز کننده‌ی ملت یک کشور از کشورهای دیگر است. تاثیری که جهانی شدن بر این بعد از امنیت ملی گذاشته است، مربوط به افزایش نیروهای نفوذ کننده متقابل به ویژه افزایش مهاجرت، پناهندگی، جریان یافتن ارتباطات فردی، قومی و گروهی می‌شود؛ به علاوه انقلاب اطلاعاتی و گسترش ارتباطات بین‌المللی موجب تعارض میان فرهنگ ملی و روند یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی فرهنگی در سطح جهان گردیده است. به این ترتیب انقلاب اطلاعاتی گسترش ارتباطات جهانی به یکی از عناصر تعیین کننده در زمینه‌ی امنیت فرهنگی تبدیل شده است (یزدان پناه و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۳).

۲. مبانی نظری (امنیت فرهنگی در تئوری‌های روابط بین‌الملل)

در میان رویکردهای مختلف در حوزه مطالعات امنیتی برخی رویکردها را می‌توان



مورد اشاره قرار داد که به مفاهیم فرهنگی توجه نموده اند. این توجه در قالب مفاهیمی مانند هویت و فرهنگ راهبردی نمود بیشتری داشته است. رویکرد سازه انگار را می توان یکی از عمده ترین مکاتب فرهنگ گرا و پیتر کاتزنشتاین را می توان از جمله متفکران برجسته این مکتب محسوب نمود؛ بنمایه اثر او با عنوان «فرهنگ امنیت ملی» این است که منافع امنیت ملی توسط بازیگرانی تعریف می شود که به عوامل فرهنگی پاسخ می دهند. البته این بدان معنا نیست که کاتزنشتاین قدرت به معنای قابلیت های مادی را در تحلیل مفهوم امنیت نادیده می گیرد بلکه او بر دلالت های فرهنگی حوزه قدرت، سیاست و امنیت بر بازیگران تأکید می کند. یکی از مفروضات اصلی سازه انگاران در حوزه امنیت آن است که ساختارهای اساسی سیاست و امنیت ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی اند. سازه انگاران معتقدند که هویت و منافع، متغیرهایی

درونی هستند؛ این هویت است که به طور مستمر توسط بازیگران ساخته شده و منافع

مختلف از هویت های خاص هریک از بازیگران شکل می گیرد. در سنت نظری پساساختارگرایی در حوزه امنیت نیز توجه به مفهوم فرهنگی هویت به شکلی برجسته وجود دارد. دالبی بر این نکته تأکید می کند که کنش های دولت ها در حوزه امنیت در اصل حاصل تلاش های آن ها برای بازتولید هویت خودشان است. گفته می شود که «فرهنگ راهبردی» مفهوم دیگری است که مورد نظر فرهنگ گراها در حوزه مطالعات امنیتی قرار گرفته است. جانسون بر اهمیت جهت گیری های فرهنگی یک کشور در تحلیل سیاست گذاری های کلان امنیتی آن اشاره می کند. از این منظر آنچه اهمیت دارد رویکرد فرهنگ ملی هر کشور به مسائل و مفاهیم راهبردی و امنیتی است. علائق مادی مربوط به منافع کشورها نمی تواند توضیح جامع و مناسبی برای راهبردهای متنوع امنیتی باشد؛ نظریه های فرهنگی این علائق مادی را برخوردار از



اهمیت ثانویه در نظر می گیرند (آشنا و اسمعیلی، ۱۳۸۸: ص ۳-۵). فرست معتقد است امنیت فرهنگی صرفاً از طریق نبودن تهدید محقق نمی شود و به لحاظ اینکه مفهومی

ایجابی است از دیگر حوزه‌های مطالعات امنیتی که بر مفاهیم سلبی استوارند، متمایز می‌شود. در نتیجه امنیت فرهنگی از طریق مراقبت‌های فعال یک فرهنگ و ارتقاء شرایط پیشینی لازم برای رشد و توسعه سازگاری‌های آن حاصل می‌شود. از نظر فرست^۱ امنیت فرهنگی ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگی‌های خاص خود در مقابل تغییر شرایط و تهدیدات مادی و معنوی است. به عبارت دقیق‌تر تعریف امنیت فرهنگی شامل بقای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی با اجازه دادن به تغییرات قابل قبول است (علیزاده، ۱۳۹۳: ص ۲-۳). با توجه به مباحث بالا به نظر می‌رسد منظور از امنیت فرهنگی در امان بودن فرهنگ‌ها از هر گونه تهدید، تحدید و تاویل‌گرایی در یک کشور مفروض است. البته باید توجه داشت که امنیت در هیچ کدام از وضعیت‌های بالا بدیلی برای امنیت ملی نیست، بلکه هر یک از موقعیت‌ها به منزله جایگاهی پر اهمیت برای تحلیل امنیت و نیز روشی اثر بخش و کارآمد در فهم دقیق‌تر از مفهوم پیچیده و مبهم امنیت در اندیشه و در عمل به شمار می‌روند (براتلو، ۱۳۹۱: ص ۳). جدول زیر بیان مختصری از نگاه مکاتب و نظریه‌های مختلف امنیت به مقوله فرهنگ است:

<p>نامنی در این رویکرد بسیار محل توجه است. از این رو ضرورت مدیریت امنیت روشن است و افزایش ظرفیت‌ها برای رسیدن به وضعیت امن موضوعیت می‌یابد. به علاوه در رهیافت واقع‌گرایی نه تنها فرهنگ بلکه اقتصاد، سیاست، و مانند آن نیز هیچ یک به خودی خود اصالت ندارند و از آن جهت مهم اند که می‌توانند در معادله قدرت - امنیت نقش ایفا کنند.</p>	<p>واقع‌گرایان</p>
---	--------------------



1. Frest



<p>در این رویکرد به مقوله نقش فرهنگ در امنیت ملی پرداخته می شود. فرایندهای اجتماعی باعث تغییر و تحول در سیاست‌های امنیتی می شوند و الگوهای رفتاری بازیگران در عرصه امنیت از عوامل فرهنگی و هنجارها تأثیر می پذیرند. بنابراین راهکار امنیت نه در موازنه قوا، بلکه در اعتماد و همکاری است.</p>	<p>سازه انگاران</p>
<p>بر اساس این رویکرد «دیگری» ملاکی برای فهم تفاوت‌ها، اختلاف‌ها، و گفتمان‌های تهدیدزا است. در این تفکر مفهوم ژئوپلیتیک تمدنی و مرزهای هویتی برای تمایز غیر خودی‌ها و همچنین روش‌های تبدیل غیر خودی به خودی، به منظور حفاظت از خودی‌ها، مطرح است. فراساختارگرایان به منطق نابرابری و تنظیم سیاستهای امنیتی معتقدند.</p>	<p>فراساختارگرایان</p>
<p>تنها رهیافتی است که بر مطالعات امنیتی، به طور خاص، متمرکز است. در مفاهیم بسط داده شده در این مکتب، بقا و مفهوم نبود تهدید وجودی هدفی مرجع در هریک از بخش‌های تمایز یافته در حوزه امنیت ملی است. جامعه به هویت، یعنی برداشت جوامع و افراد از خود به عنوان اعضای یک جامعه بازمی گردد. بر این اساس امنیت</p>	<p>مکتب کپنهاگ</p>

اجتماعی به توانایی یک جامعه در تداوم بخشی به سرشت گوهری خود، تحت شرایط متحول، مربوط می شود. از نظر این مکتب، هویت اجتماعی ارزشی است که باید تحت عنوان امنیت اجتماعی محفوظ بماند. در این مکتب مفهوم «امنیتی کردن» (امنیت منفی) مفهومی است که در نقطه مقابل امنیت ایجابی (امنیت مثبت) قرار دارد (این جدول بر گرفته از: براتلو، ۱۳۹۱).

۳. امنیت فرهنگی از منظر آیت ... خامنه ای

بر اساس تجربیات و رویه‌های ملی کشورداری در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و با اتکا به کنش‌های گفتاری امام خمینی و آیت ... خامنه ای، می‌توان مدعی بود امنیت در جمهوری اسلامی ایران، پدیده یکپارچه و غیرقابل تقلیل به ابعاد آن، تصور می‌شود. در واقع، شرایط امن در این نگاه، وضعیتی است که در آن تمامی ابعاد امنیت مصون از تهدید و رو به کمال و پیشرفت باشند در این حال، به رغم یکپارچه‌نگری به امنیت، رهبران جمهوری اسلامی ایران وضعیت امن را وضعیتی فرهنگی پایه می‌دانند. این بدان معنی است که حرکت به سوی جامعه امن، باید از مبدأ فرهنگ آغاز شود در این رویکرد، امنیت فرهنگی و اجتماعی بنیان‌تکون و تداوم امنیت در مفهوم یکپارچه آن به شمار می‌آید. در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی، فرهنگ به مثابه هوایی است که جامعه از آن تنفس می‌کند بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است (میر محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۵-۱۶). آیت ... خامنه‌ای فرهنگ را بستر اصلی زندگی و حرکت در نظام جمهوری اسلامی و مهمترین تهدید و خطر علیه جمهوری اسلامی ایران را تهاجم فرهنگی دشمن به باورها و هویت



اسلامی - ایرانی مردم می‌دانند (حدیث ولایت، ۱۳۹۴/۷/۲۰). بدین ترتیب، می‌توان گفت ادراک از امنیت در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر برداشتی معناگرایانه است طبق این برداشت، متغیرهای معنایی مانند هویت، مذهب، سبک زندگی، جهان بینی، حافظه تاریخی و به طور کلی فرهنگ، پایه امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. با توجه به فرهنگ پایه و مردمی بودن برداشت از امنیت در جمهوری اسلامی ایران، مهم ترین راهبرد تامین امنیت نیز تقویت و توسعه گفتمان انقلاب و استفاده از ابزارهای گفتمانی است. آیت... خامنه‌ای به صراحت بر آن است که راه مقابله با نفوذ دشمن مجهز شدن به منطق مستحکم انقلاب از طریق افزایش اقناعی، منطقی و بیانی است (حدیث ولایت، ۱۳۹۴/۶/۲۵). در عین حال، جایگاه امنیت فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران به مثابه شکلی از حکومت اسلامی، بسیار فراتر از کارکرد آن در حفظ نظام است و به عنوان یکی از اهداف حکومت اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد. در

یاست پژوهی

امنیت فرهنگی از منظر آیت... خامنه‌ای (آیت الله سید علی خامنه‌ای)

واقع، هدف اصلی نظام سیاسی اسلامی رشد و تعالی انسان در مسیر کمال است (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۷). این هدف نیز جز از طریق حاکمیت گفتمان الهی بر تفکر، رفتار، گفتار و نوشتار جامعه حاصل نمی‌شود و سایر اهداف نظام سیاسی اسلام شامل قسط و عدل، برقراری نظم و تامین رفاه عمومی، حفظ فرهنگ اسلامی، انشان شناسی و شناخت تهدیدها برای تحقق این هدف لازم است.

۳-۱. عوامل تقویت کننده امنیت فرهنگی

۳-۱-۱. تعلیم و تربیت:

یکی از مهمترین اهداف تربیت از دیدگاه معظم له، تربیت بعد عقلانی و اخلاقی انسان برای مقابله با تهاجمات امنیتی بوده است. ایشان در این رابطه می فرمائید:



«این بعثت در واقع دعوت مردم به عرصه‌ی تربیت عقلانی و تربیت

۱۴۱ اخلاقی و تربیت قانونی بود. این‌ها چیزهائی است که زندگی آسوده و رو به تکامل انسان به آنها نیازمند است. حلم، اخلاق است. در آیه‌ی قرآن هم

«یَزِکِّیْهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ»، تزکیه را جلوتر می‌آورد. این، تربیت اخلاقی است. امروز ما نهایت نیاز را به این تربیت اخلاقی داریم؛ هم ما مردم ایران، جامعه‌ی اسلامی در این محدوده‌ی جغرافیائی، هم در همه‌ی دنیای اسلام؛ امت بزرگ اسلامی، جوامع مسلمان. این‌ها به همراه حفظ هویت خود، نیازهای اول ماست. بعد به دنبال آن تربیت قانونی است، انضباط قانونی. اول عامل به همه‌ی احکام اسلام، خود شخص نبی مکرم اسلام بود... اینها همه درس است. نه اینکه ما آن عظمت را با حقارت‌های خودمان بخواهیم مقایسه کنیم، آنجا قله است، ما در دامنه‌ها داریم حرکت می‌کنیم؛ اما به سمت قله حرکت می‌کنیم؛ شاخص آنجاست، معیار آنجاست» (حدیث ولایت، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).

به دنبال تربیت اخلاقی و عقلانی، تربیت قرآنی است، انضباط قرآنی. بنابراین آیت ... خامنه‌ای تربیت قرآنی را یکی از ثمرات انقلاب اسلامی، تلقی می‌کند:

« آنچه که در دوره‌ی بعد از تشکیل نظام اسلامی، از ابعاد وجودی امام مشاهده شد، به نظر من به مراتب مهم‌تر و عظیم‌تر بود از آنچه که قبلاً دیده شده بود. در این دوران، امام این شخصیت برجسته و ممتاز در دو بُعد و دو چهره مشاهده می‌شود: در دوران حکومت، یک چهره، چهره‌ی رهبر و زمامدار است؛ یک چهره، چهره‌ی یک زاهد و عارف. ترکیب این دو باهم، از آن کارهایی است که جز در پیامبران، جز در مثل داود و سلیمان، جز در پیامبری مثل پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم انسان نمی‌تواند دیگر پیدا کند. این‌ها حقایقی است که ملت ایران در طول سال‌های متمادی آن‌ها را لمس کرده؛ ما هم که از نزدیک شاهدش بودیم و دیدیم. تربیت اسلامی و قرآنی این است. امام به چنین چیزی همه را دعوت می‌کرد؛ نظام اسلامی را برای تربیت انسان‌هایی از این قبیل می‌خواست و می‌پسندید؛ همان‌طور که خود او مظهر اعلای آن بود. در چهره‌ی یک حاکم و زمامدار و رهبر، امام بزرگوار مردی هوشیار، باشهامت، باتدبیر، با ابتکار و دریادل



بود» (حدیث ولایت، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴).

ایشان در بیاناتی دیگر صریحاً انقلاب اسلامی را عامل تربیت قرآنی مردمان این مرز و بوم تلقی می‌کند:

« قبل از انقلاب گاهی در گوشه و کنار، چند نفری دور هم جمع می‌شدند و تلاوتی می‌کردند؛ این رشد روزافزون و این سیل عظیم توجه جوانان و بچه‌ها به قرآن، اصلاً مربوط به بعد از انقلاب است. به همین جهت، گاهی قبل از انقلاب، بعضی از قراء به ایران می‌آمدند؛ ولی کسی نمی‌فهمید که اینها چه وقت آمدند و چه زمانی رفتند... در حالی که حالا وقتی شماها در جایی وارد می‌شوید، واقعاً همه شهر تکان می‌خورد. بله، ما به عشق قرآن، تربیت قرآنی و به برکت قرآن زنده هستیم» (حدیث ولایت، ۱۳۶۹/۱۱/۲۰).

۳- ۱- ۲. استقلال فرهنگی:

ظهور و سقوط دولت‌ها و ملت‌ها، ریشه در فرهنگ آنها دارد. تأثیر فرهنگ بر جامعه، یا ست‌پروبی امنیت فرهنگی از منظر آیت... خامنه‌ای (آیت الله سید علی خامنه‌ای)

نامحسوس، عمیق و درازمدت است. اگر بنا باشد برای بنیادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی جامعه، زیر بنایی قائل شویم، همانا این زیربنا فرهنگ است. اگر قرار باشد مسائل و مشکلات جامعه را اولویت‌بندی کنیم، فرهنگ اولویت اول را داراست. » باید مسأله فرهنگ را باکلیتش، مسأله اول این کشور به حساب آورد. ما اگر توانستیم فرهنگ و نهادهای صحیحی که کارایی لازم را داشته بهبود ببخشیم، این کشور را با پایه‌های مستحکم و قوی تحکیم، پشتیبانی و تقویت می‌کنیم، کار این کشور روی غلتک خواهد افتاد و پیشروی این کشور در همه زمینه‌های موردنظر تضمین خواهد شد. چنانچه ما فرهنگ را اصلاح و دنبال نکردیم، به احتمال زیاد برنامه‌ریزی‌هایمان آب تر خواهد بود؛ یعنی مدتی تلاش می‌کنیم، زحمت می‌کشیم، اما نمی‌توانیم به نتایج قطعی آن امیدوار باشیم (حدیث ولایت، ۱۳۷۵/۹/۲۰).



ایشان تأکید ویژه‌ای بر استقلال فرهنگی دارند و معتقدند تنها راه استقلال و عدم وابستگی کامل یک کشور و ملت، استقلال فرهنگی آن است و اگر کشوری در همه



زمینه‌های سیاسی و اقتصادی به بی‌نیازی برسد، اما در حوزه فرهنگ و ارزش‌ها و باورها، دنباله‌رو جوامع دیگر باشد، بدون شک با شکست روبه‌رو خواهد شد. «مطلبی را که لازم می‌دانم مطرح کنم، این است که همه مردم کشور و مخصوصاً قشرهای بافرهنگ و برخوردار از سواد و علم و معرفت بدانند که استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود. اگر یک ملت، از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد بکند، این ملت نمی‌تواند ادعای استقلال کند» (حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵). آیت الله خامنه‌ای، استقلال فرهنگی را مترادف با ارزش ملی تعبیر می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است. «شما باید ارزش‌های دینی و ملی را تقویت کنید. وقتی ارزش ملی می‌گوییم، نباید فوراً ذهن به سمت چهارشنبه‌سوری برود؛ ارزش ملی یعنی احساس استقلال یک ملت، استقلال فرهنگی. در مقابل این القای دوپست‌ساله فرهنگی غرب، یک ملتی بیاید به فرهنگ خودش تکیه بکند، این خیلی ارزش دارد؛ این را تقویت کنید» (حدیث ولایت، ۱۳۸۵/۰۳/۲۳).

۳-۱-۳. سبک زندگی اسلامی:

سبک زندگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تأثیر بسزایی در آرامش، آسایش و اطمینان و امنیت فرهنگی انسان‌ها در زندگی اجتماعی دارد. سبک زندگی، گستره وسیعی از ابعاد مادی و معنوی حیات انسان را تشکیل داده و از مواردی مانند ذوقیات، سلاقی و علائق گرفته تا نحوه پوشش، مناسک و عبادات و... را شامل می‌شود. ایشان عقلانیت و خردورزی و اخلاق و رعایت حقوق و معنویت را محورهای اساسی سبک زندگی اسلامی قلمداد می‌کند (ترابی، ۱۳۹۲: ص ۱۵) و در این رابطه می‌فرمایند:

«پیشرفت در علم و صنعت، اقتصاد و سیاست که بعد ابزاری تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند وسیله‌ای است برای دست‌یابی به سبک و فرهنگ

صحیح زندگی در رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی...
اسلام خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه‌های اصلی فرهنگ صحیح می-
داند... و پوسته فرهنگ غربی، پیشرفت ظاهری است اما باطن آن یک سبک
زندگی مادی، شهوت آلود و گناه آفرین و هویت زدای ضد معنویت
است.» (حدیث ولایت، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

۳- ۱- ۴. استفاده از هنر:

در بیانات آیت الله خامنه‌ای استفاده از مسائل هنری و به‌ویژه استفاده از هنرهای اسلامی
و مذهبی بسیار تأکید شده است. با ظرفیتی که جامعه اسلامی ایران از آن برخوردار
است، حتی برخورداری از این هنرها به‌عنوان عاملی برای ایجاد ارتباطات وحدت در
میان جوامع اسلامی می‌توان بهره گرفت. ایشان می‌فرمایند:

« اگر قدرت نرم بر هنر سوار شود و بر فرهنگ غنی و بالنده تکیه داشته
باشد و با قالبی مناسب به میدان آورده شود رسوخ آن در دل‌ها بیشتر
می‌شود.» (حدیث ولایت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴).

در جای دیگری بیان می‌کنند:

« استفاده از هنر بالأخص هنر سینما از شیوه‌های رایج قدرت نرم است.
امروز استکبار به این اکتفا نمی‌کند که شمشیر نشان بدهد، شمشیر هم نشان
می‌دهد، اما در کنار او به ده‌ها شیوه دیگر متصل می‌شود.»

به نظر معظم در بحث هنر، باید قالب‌های خوب هنری برای کارهای فرهنگی
در نظر بگیریم:

« بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام‌عیار توی میدان
بیاورید.» (حدیث ولایت، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

در همین راستا ایشان می‌فرمایند: « در یک کشور، مسأله ادبیات و فرهنگ، مسأله اصلی
است؛ چه در آن دورانی که کشور و ملتی در حال یک تحول اساسی است و چه
در دوره بازسازی و بازپروری ذخایر ملی و پس از آن. در همه دورانها، گره‌گشایی



اصلی، به وسیله فرهنگ است؛ که پایه‌های اساسی فرهنگ هم، همین ادبیات و هنر است. بالاخره وقتی ما از فرهنگ حرف می‌زنیم، در درجه اول، از شعر، از داستان، از نویسندگی، از بخش‌های مختلف هنری و نظیر آن حرف می‌زنیم. این‌هاست که در ذهنیت و عمل مردم تأثیراتی دارد... اگر بخواهد تحولی در یک کشور انجام گیرد، فرهنگ کارگشاست. اگر ملتی بخواهد - فرض بفرمایید - در یک دوران اشغال بیگانه، خود را از اشغال بیگانه نجات دهد، بیش از ثروت و توانایی‌های صنعتی و ذخایر زیرزمینی آن ملت و بقیه معیارها و شاخص‌هایی که وجود دارد، باز فرهنگ آن ملت به کار می‌آید تا بتواند خودش را از اشغال بیگانگان نجات دهد. فرض بفرمایید جنگی پیش بیاید. برای اینکه یک ملت بتواند آن جنگ را درست اداره کند یا نتواند، بیش از سلاح و وجود فرماندهان کارآزموده و کثرت سپاهیان و لشکریانی که در اختیار دارد، فرهنگ ملت است که می‌تواند به کمک بیاید و آن ملت را به میدان جنگ بکشاند، در میدان جنگ نگه دارد، به خوب جنگیدن وادار کند و پیروزی را در اختیارش بگذارد (حدیث ولایت، ۱۳۷۵/۶/۲۸).

۳-۲. عوامل تهدید کننده امنیت فرهنگی

۳-۲-۱. وابستگی فکری:

امام خمینی (ره) در مورد این نوع وابستگی شدیداً هشدار داده و خاطر نشان کرده بودند:

«و تا این وابستگی فکری هست در ما که همه نظرها به این است که ما همه چیزمان را از غرب باید بیاوریم، و هر وقت هم که هر عیبی پیدا می‌کنیم غرب باید این را معالجه بکند، تا این وابستگی هست، ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم. هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، آلا اینکه ما خودمان را بشناسیم که ما خودمان هم فرهنگ داریم؛ خودمان هم همه چیز داریم؛ و احتیاج به غرب در این امور نداریم؛ و آنی که آنها به ما می‌دهند آن نیست

سیاست‌شنوی

دوره پنجم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۷



که واقعیتِ رشدآوری باشد؛ آن است که ما را می‌خواهند در یک حدی نگه دارند. آلا همه چیزمان انگلیسی باشد. تا ما همه چیزمان را به فرم انگلستان درست نکنیم، درست نمی‌شود! حالا یا این آدم این قدر بیشعور بوده است که این تبلیغاتی که کردند در مغزش وارد شده است و اعتقادش این معنا بوده است. یا اینکه این هم از وابستگان به انگلستان بوده است، می‌خواسته است این حرفها را جزء تبلیغاتی که می‌کنند این هم جزء تبلیغاتش باشد» (صحیفه نور، ج ۱، ج ۵، ج ۱۰).

آیت ... خامنه‌ای در راستای حفظ هویت فرهنگی و فکری نظام اسلامی تلاش کرده است که مضرات وابستگی فرهنگی را در بیانات و رهنمودهای مختلفی بیان کند:

« من یک وقت در جمع دانشجویی دیگری گفتم هیچ ننگمان نمی‌کند که علم را از غربی‌ها و اروپایی‌ها یاد بگیریم؛ اما ننگمان می‌کند که همیشه شاگرد بمانیم. شاگردی می‌کنیم تا استعداد خود را پرورش دهیم و از درون بجوشیم. ما نمی‌خواهیم مثل استخری باشیم که آبی را در ما سرازیر کنند و هر وقت هم خواستند، آب را بکشند یا اجازه ندهند بیاید، یا هرگونه آب آلوده‌یی را در این استخر بریزند. ما می‌خواهیم مثل چشمه‌ی جوشان باشیم؛ می‌خواهیم از خودمان بجوشیم؛ می‌خواهیم استعدادهای خود را به کار بگیریم. من به هر جا نگاه می‌کنم، امکان به کارگیری این استعدادها را می‌بینم. فقط هم پیشرفت در انرژی اتمی است که مردم در جریان آن قرار گرفته اند و می‌دانند در این بخش چه اتفاقی افتاده است؛ یک نمونه‌ی دیگر، بحث سلول‌های بنیادی است که حیرت بینندگان خارجی را برانگیخت. نمونه‌های فراوان دیگری هم وجود دارد... باید روی مسائل فکر کرد. عزیزان من! روی مسائل فکر کنید تا به نتیجه برسید. نهضت آزاد فکری که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است. تریبون‌های آزاد بگذارند و با هم بحث کنند؛ منتها نه متعصبانه و لجوجانه و تحریک شده به وسیله جریانات سیاسی و احزاب سیاسی که فقط به فکر

یاست پژوهی

امنیت فرهنگی از منظر آیت... خامنه‌ای (آیت الله سید علی خامنه‌ای)



آینده کوتاه مدت و مقاصد خودشان هستند و برای انتخابات و امثال آن از جوان‌ها استفاده می‌کنند؛ بلکه برای پخته شدن، ورز خوردن و ورزیده شدن جلوگیری از وابستگی فکری و با هدف آماده شدن برای ادامه این راه طولانی و دشوار، اما بسیار خوش عاقبت» (حدیث ولایت، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹).

۳-۲-۲. بحران هویت:

زندگی اجتماعی بدون هویت و شناسه، غیرممکن و بی معنی است. چرا که در صورت عدم وجود هویت، فرد نمی‌تواند ارتباط و تعامل صحیح را با محیط پیرامون خود برقرار کرده و حفظ اتحاد و یکپارچگی جامعه سخت تر شده و امکان فروپاشی آن افزایش می‌یابد. در حوزه امنیت فرهنگی، مقوله هویت و چیستی فرهنگ ملی برجسته می‌شود. امنیت فرهنگی و اجتماعی به مواردی همچون قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. مفهوم هویت نقطه عزیمت، پایگاه و منشأ انسجام اجتماعی و حفظ نظم در سطح کلان و لنگرگاه ثبات اجتماعی تلقی می‌شود. هویت عامل انسجام بخش بوده و خصلت تنظیم‌کنندگی را به آحاد مردمان جامعه اعطاء می‌کند. بنابراین، تزلزل و کمرنگ شدن آن پایه‌های همبستگی و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کند و این مسئله امنیت ملی را با چالش مواجه می‌سازد. ریچارد کوپر یکی از اندیشمندان است که می‌گوید:

«امنیت ملی به معنای توان یک جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های خودی است».

در بحران هویت، فرهنگ و ارزش‌های بومی جامعه تخریب شده و نوعی از خود بیگانگی فرهنگی ایجاد می‌شود. به طور کلی کشوری که دچار بحران هویت باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند راه سعادت، کمال و تعالی خود را طی کند؛ چرا که قومیت‌های مختلف درون جامعه، هرکدام خود را تافته جدا بافته‌ای از کل احساس نموده و به یک هویت جامعی که کل کشور و قلمروهای سرزمینی آن را دربر می‌گیرد، باور ندارند. بنابراین، چنین کشوری دائماً درگیر مسائل داخلی خود بوده و انرژی و سرمایه‌های



مادی و معنوی آن در مسیر رشد، شکوفایی و بالندگی هزینه نخواهد شد. دور شدن مردم یک جامعه از هویت ملی می‌تواند عاملی برای ایجاد زمینه‌های براندازی نرم باشد (داوودی و ملکی، ۱۳۹۳: ص ۲۲-۲۳). در همین راستا آیت ... خامنه‌ای می‌فرماید:

« بعضی‌ها اشکال کارشان این است که اصل تهاجم را اصلاً نمی‌بینند، درک نمی‌کنند. این‌که یک جبهه‌ای وجود دارد که سوگند خورده‌ی ریشه‌کن کردن هویت ملی و اسلامی و فرهنگی ملت ما است، را اصلاً درک نمی‌کنند؛ این همه علائم، نشانه‌ها، ظواهر وجود دارد، نمی‌فهمند؛ گفت: وین گله را نگر که چه آسوده می‌چرد؛ آسوده می‌چرند و اصلاً ملتفت نیستند؛ اشکال کارشان اینجا است. شاعر به خاطر روح هنر و به خاطر آن نگاه تیزبین، وقتی این دغدغه، این درد، این احساس در او وجود دارد، این تهاجم را طبعاً احساس می‌کند و درصدد مقابله با این تهاجم بر می‌آید که این از جمله‌ی کارهای مهم است» (حدیث ولایت، ۱۳۹۳/۴/۲۱).

یاست پژوهی

امنیت فرهنگی از منظر آیت ... خامنه‌ای (آیت الله سید علی خامنه‌ای)



۱۴۹

ایشان در دیدار با دانشجویان صراحتاً از نقش هویت ملی برای حفظ هیمنه کشور سخن به عمل می‌آورند:

« یکی از مهم‌ترین خدمات انقلاب اسلامی، احیای عقلانیت صحیح در کشور بود. اینکه شما جوان دانشجویی می‌آید مسائل منطقه را تحلیل می‌کنید، با نگاه موشکافانه مسائل را می‌بینید، دشمن را معرفی می‌کنید، حوادث منطقه را تحلیل می‌کنید و می‌ایستید، این نشان دهنده حیات عقلانی یک کشور است؛ این را انقلاب به ما داد. امروز بعضی‌ها باز دلشان می‌خواهد برگردند به همان شکل سابق. همان جریان‌های غرب‌زده - جریان‌هایی که عاشق غربند، ملت را تحقیر می‌کنند، داشته‌ها را تحقیر می‌کنند، فرهنگ و هویت ملی را تحقیر می‌کنند به نفع مسلمانان غربی - دلشان می‌خواهد که همان‌ها دوباره بیایند و برای امور کشور، فرهنگ کشور، جهت‌گیری کشور، شاخص معین کنند و معرفی کنند اما شما جوانان تحصیل کرده و با ایمان جلوی این افراد را خواهید گرفت...» (حدیث ولایت، ۱۳۹۵/۵/۰۱).

ایشان حتی در جمع مردم کازرون صراحتاً دوباره بر حفظ هویت (اسلامی-ایرانی) تاکید می‌کنند:

« در حقیقت ملت ایران در دوران انقلاب اسلامی احساس هویت کرد. آنچه که دشمنان، دشمنان بنیانی این ملت همیشه می‌خواستند و دنبال می‌کرده‌اند، این بوده است که از این ملت سلب هویت کنند. وقتی یک ملتی احساس شخصیت نکرد، احساس هویت نکرد، راحت‌تر زیر بار می‌رود. گذشته‌ی او را انکار می‌کنند، امکانات او را انکار می‌کنند، قدرتهای درونی و ذاتی او را انکار می‌کنند، برای اینکه بتوانند به راحتی آن ملت را، آن کشور را در مشت بگیرند. این کاری بود که در دوران استحالی فرهنگی، یعنی دوران منحوس پهلوی، در این کشور با شدت ادامه پیدا کرد و روزبه‌روز در آن سالها تقویت شد. ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه نیز جهاد است» (حدیث ولایت، ۱۳۸۶/۰۲/۱۶).

۳-۲-۳. تهاجم فرهنگی:

پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز برنامه‌های توسعه و بازسازی کشور، موضوع تهاجم فرهنگی و مقابله با این پدیده مورد توجه ایشان قرار گرفته بود، در یکی از بیاناتشان با اشاره به سابقه تهاجم فرهنگی در ایران قبل از انقلاب اسلامی، از اواسط دوره قاجاریه و به‌ویژه دوره رضاخان، می‌فرمایند:

« انقلاب اسلامی که آمد، مثل مستی به سینه مهاجم خورده، او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد. شما در آن دوران اول انقلاب، ناگهان دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خلیات خودشان احساس کردند. در مردم، گذشت، قناعت، همکاری و گرایش به دین زیاد شد و آز و طمع و اسراف کم شد؛ این‌ها فرهنگ است، فرهنگ اسلامی این‌هاست... البته عمیق نبود، آن‌وقت عمق پیدا می‌کند که چند سالی روی آن کار شود، این فرصت پیش نیامد... در اواسط دوران جنگ، به‌وسیله ابزارهای تبلیغی، به‌وسیله گفتارهای غلط و کج اندیشانه، مجدداً



شروع شد و آن ته‌نشین‌ها و رسوب‌های ذهنی و روحی خود ما مردم هم مؤثر بود؛ اما باز حرارت جنگ مانع بود تا اینکه جنگ تمام شد. پس از جنگ، این جبهه جدید به شکل جدی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را نمی‌شود با تهاجم نظامی از بین برد... با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود، فهمیدند باید عقبه ما را بمباران کنند. فرهنگ، اخلاق، ایمان، اعتقاد به دین، رهبری، قرآن و جهاد و شهادت او را باید از بین برد و شروع کرد» (حدیث ولایت، ۱۳۷۱/۵/۲۱).

تحمیل فرهنگ، آداب و رسوم و مواریت دولت‌های استعمارگر غربی به ملت‌های اسلامی از طریق تبلیغات دروغین و ابزارهای مختلف رسانه‌ای، تحقیر فرهنگ ملت‌های شرقی و مسلمانان و القای فرهنگ اروپائی با اهانت و هوچیگری به سایر ملل... از جمله دغدغه‌های آیت الله خامنه‌ای در مبحث تهاجم فرهنگی است.

«این عیب اساسی را واقعاً باید پیدا کرد. به نظر می‌آید دلیلش همین است که ما مکرر به زبان می‌آوریم؛ یعنی مسأله تهاجم فرهنگی. ما شبیخون زده شدیم. یعنی از غفلت ما و غفلت سردمداران و فرمان‌روایان این کشور استفاده شد و عده‌ای با یک فرهنگ تازه و با نیروی جدیدی که بر اثر رنسانس، دنیا را به جوش آورده بودند و خودشان در آن جوش و خروش بودند، بر سر ما ریختند و ما خواب بودیم. از خواب ما استفاده کردند، آمدند، وارد شدند، بساط ما را به هم ریختند، اصالت‌های ما را مخفی نمودند و خیلی از چیزها را دود کردند... ما می‌دانیم که وقتی یک عده فاتح، وارد یک کشور می‌شوند، ترتیب خودشان را در آنجا برقرار می‌کنند، اما ظرافت قضیه اینجاست که ترتیب خود را برای یک عده از شهروندان درجه‌دو می‌توانند برقرار کنند، نه آن‌چنان‌که برای خودشان در کشور خودشان برقرار می‌کنند» (حدیث ولایت، ۱۳۸۲/۹/۲۶).

یاست پژوهی
امنیت فرهنگی از منظر آیت... خامنه‌ای (آیت الله سید علی خامنه‌ای)



در این بیانات، از تهاجم فرهنگی به‌عنوان تهاجم خونین و سهمگین یاد می‌شود که

نشان‌دهنده ابعاد مخرب آن است و ضرورت آگاهی مسئولان و مدیران فرهنگی به‌ویژه برنامه‌ریزان فرهنگی را خاطر نشان می‌سازد.

« غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن، غفلت از در کمین بودن دشمن، غفلت از نفوذ دشمن در فضای رسانه‌ای کشور، بی‌مبالاتی نسبت به حفظ بیت‌المال؛ این‌ها گناهان ماست، این‌ها نقاط ضعف ماست» (حدیث ولایت، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶).

۳-۲-۴. خودباختگی:

خودباختگی فرهنگی در اصل نوعی خودباختگی است که فرد نسبت به فرهنگ و جامعه‌ی خود، در اثر القائات منفی که به او می‌شود، به آن دچار می‌گردد و همواره حالتی سرزنش‌گونه نسبت به جامعه‌ی خود و دیدی آرمانی نسبت به فرهنگ و تمدن جامعه‌ی الگوگرفته دارد. برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی باید این احساس را همواره در خود زنده نگاه داریم و از خودباختگی و احساس خودکم‌بینی در مقابل مکاتب بیگانه بپرهیزیم. بنابراین از شیوه‌های عملی دشمن در جهت نابودی فرهنگ ملی کشورها، ارائه‌ی معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است. رفاه مادی، بهره‌جویی و لذت بردن بی‌حد و لجام گسیخته در زندگی و سرانجام، زندگی در چارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویات و اخلاق و انسانیت، از نمونه‌های آن است. آن‌ها انسان بی‌بند و بار، رفاه‌طلب، سودجو، ثروت‌اندوز، چپاول‌گر، بی‌دین و لامذهب و در یک کلام، انسان مادی را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند. آیت ... خامنه‌ای در همین راستا معتقدند:

« دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند تنها یک تهاجم فرهنگی نیست، بلکه باید گفت یک شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند» (حدیث ولایت، ۱۳۷۷/۰۴/۲۲).



۳-۲-۵. سلطه فرهنگی:

ایشان به علت ارتباط وثیق فرهنگ و هویت، سلطه فرهنگی را خطرناک‌ترین و کامل‌ترین نوع سلطه می‌دانند؛ چراکه منجر به از بین بردن هویت ملت‌ها می‌شود. بر این اساس، نوع و شیوه تهاجم غرب به سایر کشورها، به علت ماندگاری و ابعاد گسترده تأثیرگذاری فرهنگ، از سلطه اقتصادی به‌تدریج به سمت وسوی سلطه فرهنگی چرخش پیدا کرده است.

«سلطه فرهنگی از تسلط اقتصادی و از تسلط سیاسی هم خطرناک‌تر است. چرا؟ چون وقتی یک ملت بر ملت دیگر تسلط فرهنگی پیدا کرد، هویت ملتی که زیر سلطه است، از بین می‌رود. مسئله این است که یک مجموعه فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق وتو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت‌های سیاسی می‌خواهد همه باورها و چارچوب‌های موردپسند خودش بر ملت‌ها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند. این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند ترجمه‌ای فکر می‌کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فرآورده‌های دست‌اول؛ فرآورده‌های دست‌دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به‌عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگ‌تر و سخت‌تر است» (حدیث ولایت، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴).

نتیجه‌گیری

در حوزه فرهنگی، انقلاب اسلامی ایران مزیت‌ها و مولفه‌های قدرت ملی زیادی دارد و سیاست نرم‌افزاری، فرصت بهره‌گیری فعال و مثبت را از آن‌ها ایجاد می‌کند. بخشی از این فرصت‌ها در عرصه سیاسی، بخشی دیگر به فرهنگ، تمدن، تاریخ، تعلقات مذهبی مشترک و پیوستگی‌های قومی در قالب سرزمینی باز می‌گردد. از این رو جمهوری



اسلامی ایران می‌تواند با شناخت راهکنش‌های تقویت‌کننده و تهدید‌کننده امنیت فرهنگی به اهداف مورد نظر خود در جنگ نرم همه‌جانبه دشمنان این مرز و بوم فائق آید. آیت‌الله خامنه‌ای در توصیه‌های حکیمانه خود پیوسته بر اولویت فرهنگ بر اقتصاد و سیاست تاکید نموده‌اند و فرمایشات ویژه‌ای مبنی بر توجه ویژه مسئولین به بخش فرهنگ بیان داشته‌اند. در بیانات معظم‌له، حقیقت غیر قابل انکار این است که عوامل تقویت‌کننده امنیت فرهنگی - با وجود تهدیدهای متصور - فرصت‌های مغتنمی را برای معرفی توان‌ها و قابلیت‌های فرهنگی، ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی از طریق آگاه‌سازی و آموزش‌های اجتماعی و در نهایت تولید قدرت نرم در اختیار ملت‌ها و دولت‌ها قرار داده است که بیانات معظم‌له، نمونه بارزی از استفاده مثبت از امنیت فرهنگی برای شناختن اسلام صحیح به جهانیان بوده است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ظرفیت‌سازی و مدیریت کارآمد به بازتولید قدرت نرم فرهنگی که منبعث از ایدئولوژی و انقلاب اسلامی است، بپردازد.



فهرست منابع:

۱. آشنا، حسام الدین و اسمعیلی، محمد صادق. (۱۳۸۸). «امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی». راهبرد فرهنگ، شماره پنجم، بهار.
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۹۱). امنیت، مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی. دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۳. براتلو، فاطمه (۱۳۹۱)، «امنیت فرهنگ و راهبردهای کلان آن در حوزه مدیریت فرهنگی». جامعه پژوهی فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۴. ترابی، یوسف. (۱۳۹۳). «امنیت اخلاقی در سپهر آیت ا... خامنه‌ای حضرت آیت الله خامنه‌ای». فصلنامه انجمن انقلاب اسلامی ایران، سال سوم، شماره ۸.
۵. حدیث ولایت. (۱۳۹۴). مجموعه رهنمودهای آیت ا... خامنه‌ای حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی.
۶. داوودی، ابراهیم و ملکی، عباس. (۱۳۹۳). «بحران هویت و تاثیر آن بر امنیت فرهنگی و اجتماعی در ایران». فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره ۳۰، بهار.
۷. رضاپور، دانیال. (۱۳۹۴). معیارهای تقویت کننده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از منظر اندیشه‌های امام خمینی (ره). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
۸. صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس.
۹. صحیفه نور. (۱۳۸۹). مجموعه بیانات و مکتوبات امام خمینی (ره). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
۱۰. عزیزاده، سلیمان. (۱۳۹۳). «ابعاد و مولفه‌های امنیت فرهنگی از منظر امام خمینی (ره)». فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی. سال سوم، شماره‌ی دوم، تابستان.
۱۱. فاتحی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). «راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار با تاکید بر گفتمان انقلاب اسلامی». فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره پانزدهم، تابستان.
۱۲. گلشن پژوه، محمود رضا. (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. لک زایی، نجف و نباتیان، محمد اسماعیل. (۱۳۹۲). «امنیت فرهنگی از منظر فقه شیعه». فصلنامه



مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره چهارم، زمستان.

۱۴. میر محمدی، مهدی (۱۳۹۴). «نسل‌ها، گفتمان‌ها و امنیت: چارچوبی فرهنگی برای امنیت در ایران».

فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان.

۱۵. یزدان پناه، محمد، عیسی نژاد، محمد و نجات پور، مجید. (۱۳۹۱). «هویت اسلامی مهاجرین و

امنیت فرهنگی اروپاییان: پیامدها و چالش‌ها». فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول،

شماره ۴، زمستان.

16. O'Neill, P. E". (2006). "The European Union and Migration: Security versus Identity?" **Defence Studies**, Vol. 6, No. 3.

